

اهمیت درخت خرما در زندگی مردم خور*

نوشته مرتضی هنری

ترجمه اصغر عسکری خانقاه

اگر با هواپیما از فراز کویر مرکزی ایران بگذری، تصور می‌کنی روی دریایی سیمگون پرواز می‌کنی و ذرات سفید خاک در زیر پایت درخششی خاص دارند. نه جزیره‌ای در این دریا، و نه چین و شکنی بر این صحرا. بر کران کویر، روستاهای زیادی قرار دارند، یکی از این مناطق بخش خور و بیابانک است با مساحتی بیش از ده هزار کیلومتر مربع و جمعیت بیشتر از سی و پنج هزار نفر.

«خور» مرکز این ناحیه است که در روی نقشه آن را در تقاطع نصف‌النهار شرقی ۵۵ درجه و ۲ دقیقه طول جغرافیایی با عرض ۳۳ درجه و ۳۷ دقیقه شمالی می‌توان یافت. «خور» که ۸۵۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و در ۴۲۳ کیلومتری شرق اصفهان قرار گرفته، بیش از ۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

نزدیک‌ترین شهرها با خور ۲۵۰ کیلومتر فاصله دارد و همین انزوا و دوری از مراکز مهم انسانی عامل ویژگی‌های سستی زیادی است، که اکنون هم زبان

*. یغما، سال بیست و هشتم، شهریور ۱۳۵۴، صص ۳۲۱ تا ۳۲۸.

هخامنشی و معماری ساسانی و فرهنگ اصیل ایرانی را یکجا و در کنار هم در «خور» می‌توان دید.

متوسط بارندگی سالیانه در «خور» کمتر از ۱۰۰ میلیمتر است و هوای گرم و کمی ارتفاع موجب شده است که محیط برای کشت و بهره‌وری از درخت خرما مساعد باشد.

«خور» که بسان بندری در کنار کویر مرکزی قرار دارد، دو قسمت است، قسمت جنوبی که خانه‌ها و مساکن انسان‌ها است و قسمت شمالی نخلستان عظیمی است که قوس‌وار خانه‌ها را در پناه می‌گیرد و مردم را از بادهای داغ کویری در امان می‌دارد.

زراعت در «خور» در سایه درختان خرماست و از این هیچ‌گزی و گریزی نیست، چه خارج از نخلستان آفتاب داغ و بادهای تفته امان نمی‌دهد و زیر درخت هم سایه انبوه درختان و شیره - که آفتی است چسبناک و از برگ درختها می‌چکد - زراعت را رنجور و بی‌بهره دارد.

نخلستان «خور» بیشتر از ۳۵۰ هکتار مساحت دارد و ۱۵٪ درآمد مردم را تأمین می‌کند. درخت خرما درخت برکت است و برکتش هم بسیار زیاد. به‌جز استفاده‌ای که در تغذیه دارد ده‌ها و ده‌ها بهره دیگر دارد و آدمهای پرکوش یک ذره از چوب این هدیه هوای گرم و خشک صحرائی را بی‌کار نمی‌گذارند.

سخن کوتاه «درخت خرما» در زندگی مردم «خور» تأثیری عظیم دارد که درخور بررسی جداگانه است.

کشت درخت خرما:

فصل کشت و نهال کردن درخت خرما اسفند و فروردین ماه است و به دو گونه:

۱- بچه‌ها و پاجوش‌های درخت ماده را که ۳ تا ۵ سال داشته باشد می‌کنند و نهال می‌کنند.^(۱)

۲- هسته خرمای خوب را در زمین می‌کارند و بعد از ۳ تا ۵ سال که تشخیص درخت نر و ماده آسان شد در جای دلخواه نهال می‌کنند. نهال‌های ماده قطرشان بیشتر است و اغلب خوشه کوچکی هم دارند و نهال نر از طول رشد بیشتری دارد و به درد سوزاندن می‌خورد.

✱

چهره درخت خرما مرکب از سه قسمت است:

۱- ریشه که در زیر خاک پنهان است و بسیار قوی و طولانی است. بردنش با تبر ساعتها وقت می‌گیرد و طولش گاه به چند صد متر می‌رسد.

۲- ساقه استوانه‌ای درخت که - دوپیل daviil - نامیده می‌شود، از درون پُر است از آوندهای قوی و پرآب، و از بیرون، جای برگ‌های بریده شده چون پلکانی بر درخت پیدااست.

۳- برگ‌های خرما که چون چتری بر سر ساقه می‌ماند. هر سال چند ردیف برگ تازه از قلب درخت برمی‌خیزد، که باید چند ردیف از برگ‌های کهنه را از پایین برید.

یک برگ از پایین به بالا این نامها را به خود می‌گیرد:

ساغری sāqari که انتهای برگه است و بر ساقه درخت پلکانی را می ماند و به گاه بر شدن پای بر آن می نهند.

کوشک kavesk قسمت بعد از ساغری است که کم کم باریک می شود. لوس Lows بعد از کوشک است که در دو طرف سیخهای بزرگ دارد، به این سیخ میر mair می گویند.

- به دو قسمت اخیر روی هم باسکین bāskin می گویند.

- سپس به برگه اصلی می رسیم که برشک barask نامیده می شود و باریک است و بلند، و در دو طرف چوب برگه ها روئیده اند.

برگه ها، هرچه به قلب درخت نزدیک شویم، ظریف تر و سفیدتر می شود تا در قلب درخت به صورت یک توده سفید و بسیار خوشمزه درمی آید که پنیر panir نامیده می شود. بعضی مواقع برگه ها را می برند و به اصطلاح درخت را می کشند تا پنیر آن را بخورند. البته این درخت دیگر میوه نمی دهد.

قلب درخت مرکز رشد است و نیامهایی که خوشه در آن است از قلب درخت و لابه لای برگه ها می روید. بین هر ردیف برگه که دور تا دور درخت روئیده، یک لایه بافته شده از الیافی مانند الیاف کنف وجود دارد که به آن پیج pij می گویند و خوشه اصلی در آن است. پس از مدتی در اثر رشد خوشه کوپله می ترکد و خوشه بیرون می آید. خوشه را در زبان محلی هوژ hūz می گویند. خوشه درخت نر دانه هایی دارد که حامل گرد سفیدرنگ خوش بویی است. هر خوشه از تعداد زیادی رشته تشکیل شده و دانه ها بر رشته ها روئیده اند. برای گرده گذاری خوشه درخت نر را می برند و چند رشته را در یک خوشه درخت

ماده قرار می‌دهند. لقاح خودبه‌خود انجام می‌شود و دانه‌های خوشه ماده کم‌کم بار می‌گیرند و بزرگ می‌شوند.

هر خوشه یا هوز سه قسمت دارد:

تمبر tambar که چوبی است بلند و صاف که از درخت آویزان می‌شود و خوشه بر سر آن است.

ترند terend که همان رشته‌های هر خوشه است و دانه‌ها به آن متصل‌اند.

کلوخ kolūx خرمای نارس است که سبزرنگ است و پس از مدتی به نسبت جنس درخت به رنگ‌های مختلف درمی‌آید. کلوخ بعد از ۳-۴ ماه در اواسط تابستان جان می‌گیرد و بزرگ می‌شود. کلوخ‌های درشت را در کیسه‌های کرباسی می‌ریزند و زیر گاه می‌کنند تا پخته و قابل خوردن می‌شود.

در شهریورماه اولین دانه‌های خرما بر درخت‌های «زودزا» - که روش

rowves نامیده می‌شود - ظاهر می‌گردد. «دیرزا»ترین درخت‌ها را هم اروش

eiraves می‌گویند.

انواع خرما

کرمانی kermūni به رنگ سیاه مایل به قرمز.

سهشگن shešgen به رنگ نارنجی پررنگ.

قصب یا قصب qasb-qasm به رنگ نارنجی.

زارش zāras به رنگ زرد با لکه‌های بنفش.

خدشگن یا هشگنه xadešgan-hešgeno به رنگ زرد.

کلوخ پشن kolux pesen زرد کم‌رنگ.

زرگن با zargenbā به رنگ زرد پررنگ

رسی rosi زرد با لکه‌های قرمز که بر نخ می‌کشند.

خارک یا هارک xarak-harak زرد پررنگ با لکه‌های قرمز.

محصول و برداشت آن

در مهرماه همهٔ درخت‌ها خرما دارند که فصل جمع‌آوری خرما است. نخلستان پر است از خانواده‌هایی که برای برداشت خرما و خرمابری به دشت رفته‌اند. یک نفر طنابی دور کمرش و ساقهٔ درخت می‌بندد و پا بر ساغری‌ها نهاده به کمک طناب از درخت بالا می‌رود. دو نفر نیز در زیر درخت چهارگوشهٔ چادرشبی را می‌گیرند تا کسی که بالای درخت است خوشه را بریده در آن بیندازد. سپس خرما را در زنبیل‌ها می‌ریزند و بر الاغ می‌بندند.

بهره‌وری‌های غذایی که از خرما می‌شود

- تغذیه: هرچند که همه‌ساله مقداری خرما از «خور» صادر می‌شود اما مصرف خوراکی و خودمصرفی آن نیز بسیار زیاد است. بعضی خرماها را همان‌گونه که بر خوشه است در انبار می‌گذارند که به اسم خوشکی، شبچرهٔ شبهای زمستان است و یک نوع را نیز از وسط می‌برند و می‌گذارند تا خشک شود این خرما که هرگز فاسد نمی‌شود کلاهو kolāhū نام دارد.

- شیره: برای تهیهٔ شیره، خرمای نامرغوب را بعد از آنکه چند روز خیس کردند در یک حرارت تند می‌جوشانند. البته قبل از جوشاندن، هسته و پوست و گوشت خرما را به وسیلهٔ کیسه‌های کرباسی که با مشت بر روی صافی‌هایی که در

طشت‌های بزرگ قرار داده‌اند، می‌فشارند، جدا می‌کنند و تنها عصاره خرما را می‌جوشانند. پختن شیره آنقدر ادامه می‌یابد تا دوسوم حجم آن کم شود. وقتی نصف آبها بخار شد می‌گویند شراب است و حرام.

- تهیه سرکه از خرما: برای سرکه انداختن، خرما را به مدت ۴۰ روز در یک کوزه بزرگ در بسته قرار می‌دهند و سپس آن را با گذراندن از یک پارچه کتانی صاف می‌کنند.

*

آنچه که مواد اولیه‌اش از درخت خرما است

۱- طناب یا رسن Rasan همان‌طور که گفته شد دور هر ردیف برگه خرما پارچه‌ای از الیاف بافته شده پیچیده است که به آن پیچ pij می‌گویند. بعد از بریدن برگه‌ها الیاف را از درخت جدا می‌کنند و پس از خیس کردن از هم باز می‌کنند و با دست به صورت رشته‌هایی بیرون می‌آورند و این رشته‌ها را با حرکت دو دست بر روی هم به هم می‌تابند. به رشته‌های اولیه گلگ gelg می‌گویند و طناب‌های دو رشته‌ای، رسن دو گلگی Rasane, do, gelgi یا ملار malār نام دارد، بعد این طناب‌ها را به صورت گلوله‌ای می‌پیچند و کلرگ kolerg نام می‌گیرد. آنگاه کلرگ kolerg را خیس می‌کنند و به دو میخ چوبی که با فاصله ۱۰ متر روی دیوار زده‌اند می‌بندند تا چروک نشود. بعد از یکی دو روز گلوله‌ها را باز می‌کنند و دو سر طناب را از دو نی گذرانده و به چوب کوچکی می‌بندند. وسط طناب را به یک چنگه فلزی کوچک که روی دیوار نصب است و به‌طور آزاد می‌چرخد می‌اندازند. یک نفر با چوبی که دو شیار در دو طرف دارد تاب رسن را محکم می‌کند و دو نفر با چرخاندن چوب‌ها و در دست گرفتن

نی‌ها طناب را تاب می‌دهد تا چهارلا شود و بعد با کشیدن دو طناب به هم خارهای آن را می‌گیرند.

این نوع طناب برای بالا رفتن از درخت، افسار چهارپایان، بستن اشیاء، وغیره به‌کار می‌رود و هر سال مقدار زیادی نیز به شهرستان‌های دیگر صادر می‌شود.

۲- درز darz نوعی طناب خیلی نازک و ظریف است که از رشته‌های زردرنگ مقاوم ساخته شده و برای دوختن و محکم کردن زنبیل و دیگر وسایل حصیری استفاده می‌کنند و برای حمل خاک و کود و غیره بر الاغ و دیگر چهارپایان می‌گذارند.

برای بافتن گوال دو چوب را به فاصله ۱/۵ متر روی دیوار می‌کوبند، و دور آن را به عرض نیم متر درز (طناب‌هایی از الیاف نازک) پهلوی هم می‌گذارند و با کمک یک سوزن چوبی و درز دیگری (که به جای نخ به‌کار می‌رود) آنها را به هم می‌دوزند. وقتی همه درزها به هم دوخته شد یکی از دو طرفی را که باز است می‌دوزند، کیسه‌ای پدید می‌آید که طولش ۰/۵ متر و عرضش ۱/۵ متر است. گوال را از عرض بر چهارپایان می‌نهند و در آن خاک و کود و گچ و غیره می‌ریزند.

۴- تور tūr - کیسه بزرگی است که برای حمل کاه و یونجه و علوفه به‌کار می‌رود بافتنش همانند بافتن تور والیبال است که پس از بافتن سه طرفش را مانند کیسه به هم می‌دوزند.

۵- گشک gošk - هر برگ درخت خرما متشکل از شاخه‌ای است که برگه‌ها در دو طرف آن رویده‌اند. برگه‌ها را از ساقه جدا می‌کنند و پس از

شستن، از درهم بافتن برگه‌ها نوارهایی به دست می‌آورند این نوارها گشک *gošk* نام دارد و از آن زنبیل، حصیر و کلاه و غیره درست می‌کنند. طول و عرض گشک به شیء مورد نظر بستگی دارد و مثلاً اگر خواسته باشند زنبیل محکمی درست کنند، در وقت بافتن گشک برگه‌ها را دوتا دوتا روی هم می‌گذارند و می‌بافند.

۶- *Hasir* حصیر - فرش است تهیه شده از برگه درخت خرما، که برای ساختن آن چند گشک پهن را روی زمین، کنار هم پهن می‌کنند و با سوزن و برگه‌های نازک (به جای نخ) آنها را به هم می‌دوزند. حصیر امروزه زیرانداز قالی‌ها و فرش تابستانی زیرزمین‌ها است.

۷- *sala* سله یا *jolat* جلته کیسه‌های حصیری است، که مانند حصیر می‌بافند و سه طرفش را می‌دوزند و خرما در آن می‌ریزند، برای نگهداری یا صدور.

۸- *nowvarū* نوورو فرم کوچک و بچه‌گانه سله است که بازیچه بچه‌ها در فصل خرما بران است.

۹- *gālčūn* گالچون - گهواره حصیری است و برای ساختن آن دو حصیر بافته شده را به هم می‌دوزند. چهار طرفش را برای جای چوب خالی می‌گذارند و چهار چوب نازک در آن می‌گذارند و سر چوبها را به هم می‌بندند. یک طناب بلند به عرض یک طرف و طنابی به همان اندازه به عرض دیگر می‌بندند و طنابها را به دو دیوار مقابل، به میخ می‌آویزند. در گالچون تشک می‌اندازند تا خوابگاه بچه‌ها کوچک باشد.

۱۰- **زنبیل** zanbil - برای ساختن زنبیل، گشک‌ها را باریک و محکم می‌سازند و گشک‌ها را از عرض حلزون‌وار به هم می‌دوزند. پس از ۶-۷ دور که کف زنبیل (به نسبت کوچک و بزرگی زنبیل) دوخته شد، جهت دوخت را برای ساختن دیواره، از دوخت افقی به عمودی تغییر می‌دهند. سپس برای محکم بودن زنبیل پشت آن را با درز می‌دوزند و با طنابی که رویش را پارچه پیچیده‌اند دسته‌ای برای آن تعبیه می‌کنند تا قابل استفاده گردد.

دول dūl زنبیل کوچکی است که برای کارهای بنایی و حمل گل به کار می‌رود.

دولند dūlenda تنگ‌مانند است و کوچک و دردار، برای حمل تخم‌مرغ و چای و میوه. دهانه‌اش باریک است و هرچه به پایین برویم پهن‌تر می‌شود.

نیژی nižy - زنبیل کوچک و ظریفی است برای سبزی‌چینی، که برای زیبایی به آن پارچه‌های رنگی هم می‌دوزند.

آشار āšār بزرگ‌تر از نیژی است و ضخیم‌تر.

چرگازی cargāzy - زنبیل کوچک برای جای علوفه حیوانات که از آشار بزرگ‌تر است.

- **ترازو** که در زبان خوری به آن تراسک tarāsk می‌گویند. دو زنبیل (کوچک یا بزرگ) است که هرکدام با سه طناب به دو سر یک چوب آویزان است. وسط چوب سوراخی دارد که طناب کوچکی از آن عبور داده‌اند که نقش شاهین ترازو را بازی می‌کند. این ترازو دقت چندانی ندارد ولی برای آن مواردی که به کار می‌برند مفید است.

جارو Jāru برای درست کردن جاروی حصیری، برگ درخت خرما را بریده در آب می گذارند و هر برگه را از وسط نصف کرده و روی هم گذاشته در یک جهت می بافند. در حدود ۱۰ سانتیمتر از ساقه را از برگه عریان می کنند تا به جای دسته به کار رود. جارو اضافه بر استفاده محلی و خانگی به مناطق دیگر نیز صادر می شود.

۱۱- **تگشک tagešk** نوعی سینی حصیری است که از نوارهای برگه‌ای (گشک) می بافند که دایره وار است به قطر تقریبی ۵۰ سانتیمتر و دیواره‌ای به بلندی ۷ سانتیمتر و برای شستن برنج است و جای میوه هایی چون انگور و غیره. ۱۲- **کلاه:** کلاههایی که با برگه درخت خرما ساخته می شوند بر دو نوعند. یک نوع کلاه ضخیم با برگردان (آفتابگیر) که برای محافظت از آفتاب سوزان است و از نوارهای حصیری (گشک) ساخته می شود و نوع دیگر کلاهی است بسیار نازک و ظریف که با درهم بافتن برگه‌های بسیار نازک و محکم ساخته می شود و بافتنش کار بسیار مشکل و وقت گیر است.

۱۳- **بادبزن** که به زبان خوری گارم *gārom* نامیده می شود و برای بافتن آن برگه‌های ظریف را انتخاب نموده هر برگه را به صورت چهار رشته مساوی و باریک از درازا به طوری می برند که در انتها به هم متصل باشند. ۱۴ تا ۲۰ تای این برگه‌ها را به طور مایل به هم می بافند و سپس آن را به دسته‌ای چوبی می بندند. ممکن است برای زیبایی برگه‌ها را رنگ بزنند و با همین رنگ آمیزی است که بعضی مواقع می توانند اسم اشخاص یا اشکال مختلف را با زحمت فراوان بر روی بادبزن نشان بدهند.

۱۴- پلاس palās نوعی گلیم از الیاف درخت خرما است که ساختنش چون بسیاری از اشیاء ذکر شده از بین رفته است.

۱۵- مگس‌گیر که به شکل آکوردئون ساخته می‌شود و مقداری شیره روی آن می‌ریزند و با باز و بسته کردن آن مگس‌هایی را که در طلب شیرینی روی شیره نشسته‌اند خفه می‌کنند.

۱۶- در: گرچه سالهاست که ساختن در خانه از ساقه درخت خرما از بین رفته، اما لازم به یادآوری است که با بریدن ساقه درخت خرما (دویل dāvil) و تقسیم آن به تخته‌های پهن و باریک از آن در نیز ساخته می‌شود.

یادداشت:

۱. این پاجوش‌ها را در گوبش خوری - بیزه bize می‌گویند.